

کشاورزی قراردادی، ضرورتها و ویژگیها

حسین شعبانعلی فمی* - استادیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران
 شهلا چوپچیان** - دانشجوی دکترای توسعه روستایی دانشگاه تهران

چکیده

شاید یکی از مهم‌ترین مشکلات توسعه بخش کشاورزی عوامل اقتصادی و ضعف بنیة مالی کشاورزان به خصوص زارعان خرده‌پاست. واقعیت این است که بخش عمده‌ای از شاغلان بخش کشاورزی را زارعان خرده‌پایی تشکیل می‌دهند که با تجمع در واحدهایی با ابعاد بسیار کوچک، قدرت اقتصادی برای خرید ماشین و ادوات کشاورزی را ندارند. از سوی دیگر، نبود تناسب میان افزایش قیمت ماشینهای کشاورزی و محصولات زراعی و باغی از جمله مشکلات اقتصادی است که مانع مکانیزه شدن عرصه تولید کشاورزی شده است. در این بین، نظامهای بهره‌برداری موجود و تشکلهای خصوصی به وجود آمده به دلیل فقدان اهرمهای هدایتی و حمایتی لازم، رهاورد چندانی مثبتی به همراه نداشته‌اند و سقف مبالغ مربوط به یارانه‌های اختصاصی برای خرید ماشینهای کشاورزی نیز تناسبی با نیازهای این بخش ندارد. این مقاله بر آن است تا با معرفی شیوه جدیدی از کشاورزی با نام کشاورزی قراردادی گامی هر چند ناچیز در حل این معضل اساسی بخش کشاورزی بردارد. در مقاله حاضر سود و زیانهای این رویکرد جدید بررسی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی قراردادی، کشاورزان خرده‌پا، قرارداد، توسعه کشاورزی.

* Email: hfami2001@yahoo.com

** Email : shahla_ch@yahoo.com

مقدمه

با ظهور پدیده جهانی شدن و گسترش تجارت کشاورزی، بخش کشاورزان خرده‌پا و کوچک مقیاس برای اینکه پابرجا بماند احتیاج به رقابتی شدن و هماهنگی با تغییرات دارد تا بتواند فقر را ریشه‌کن کند و باعث رشد اقتصادی در کشورهای بادرآمد پایین گردد. به طور کلی در ایران حدود ۲۳ درصد از شاغلان در بخش کشاورزی، ۳۰/۷ درصد در صنعت و ۴۳/۸ درصد در بخش خدمات مشغول به کارند. ۲/۵ درصد شاغلان هم طبقه‌بندی نشده‌اند (مطبیعی لنگرودی، ۱۳۸۳). به‌رغم پیشرفت‌های زیاد در دهه‌های اخیر، در مجموع رشد اقتصادی در بخش کشاورزی مناسب نیست. بخش کشاورزی برای اینکه از گردونه اقتصادی خارج نشود باید تجاری و رقابتی گردد. رقابتی شدن هر واحد کشاورزی بستگی به سه عامل دارد:

افزایش کارایی تولید در سطح مزرعه (بذر و ...)

بهبود فرایند تولید (فناوری)

بهبود شرایط دسترسی به بازار

برای اینکه این بخش از حالت رکود و رقابت‌ناپذیری خارج گردد و رشد شتابان تری در پیش گیرد «کشاورزی قراردادی»، راه‌حل مناسبی است. در بخش کشاورزی عقد قرارداد برای انجام امور مختلف از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشت، مانند اشکال مختلف سهم‌بری و اجاره‌داری. ولی این نوع جدید از کشاورزی، یعنی کشاورزی قراردادی شیوه جدیدی برای درآمدزایی و انتقال فناوری‌های مناسب، تسهیم ریسک، تضمین کیفیت محصول و بازار است.

■ مفهوم کشاورزی قراردادی

کشاورزی قراردادی توافقی است بین کشاورزان و شرکتهای فرآوری یا بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی به منظور تولید و عرضه محصولات تحت موافقت‌نامه‌های قبلی و در بیشتر موارد با قیمتهای از پیش تعیین شده (FAO, 2001). به موجب این رویکرد کشاورزان برای رفع مشکلاتی مانند کمبود منابع و فقدان توان بازاریابی، قراردادهایی را با شرکتهای تبدیل محصولات کشاورزی یا بازاریابی منعقد می‌کنند و ضمن ایجاد شرایط تضمین فروش از سایر خدمات این شرکتهای که عمدتاً در زمینه‌های پس از برداشت فعالیت می‌کنند، بهره‌مند می‌شوند. شرکتهای یاد شده نیز از این تضمین برخوردار می‌شوند تا در زمان مشخص، به میزان نیاز، به محصولات اولیه برای فرآوری و بازاریابی دسترسی داشته باشند. این تذکر لازم است که این رهیافت به‌طور گسترده‌ای هم در مورد درختان و دیگر محصولات نقدی و هم در مورد میوه‌جات و سبزیجات، مرغداری، پرورش دام و طیور و حتی میگو و ماهی نیز کاربرد دارد.

اساس این چنین توافقهایی عبارت اند از:

● تعهد کشاورز برای فراهم آوردن کالایی خاص با استانداردهای کمی و کیفی تعیین شده از سوی خریدار.

● تعهد شرکت یا پشتیبان به حمایت از تولید و بازاریابی یا خرید کالاهای کشاورزی. همچنین توافق، همواره خریدار را ملزم به فراهم آوردن درجه‌ای از حمایت‌های تولیدی از قبیل عرضه نهاده‌ها و تهیه ابزار فنی و آموزشهای مناسب می‌کند.

کشاورزی قراردادی اغلب به سامانه‌ای اطلاق می‌شود که یک واحد فرآوری یا بازاریابی، محصول یک کشاورز را خریداری می‌کند و ویژگیهای محصول و خرید و فروش در قراردادها توافق می‌شود. ویژگیهای قراردادهای متفاوت اند و اغلب نوع، میزان، کیفیت و قیمت محصولات توافقی هستند. به طور کلی عقد قرارداد اساساً یک راه تسهیم ریسک بین تولیدکننده و پشتیبان است که تولیدکننده، ریسک تولید را به عهده می‌گیرد و پشتیبان، ریسک بازار را. البته نحوه تخصیص ریسک به تفصیل در قرارداد مشخص می‌شود. در برخی قراردادهای تنها برای حجم مشخصی از محصول جهت مبادله توافق می‌کنند و در برخی موارد به جای میزان محصول، نرخ مشخصی را در نظر می‌گیرند، که این نرخ قیمت بازار، یا متوسط میانگین در طول دوره یا تفاوت بین قیمت پایه و قیمت بازار است (Baumann, 2000).

توسعه کشاورزی قراردادی به دلایل متعددی اهمیت دارد که به برخی موارد اشاره می‌شود:

- برای افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
- برای ایجاد منبع درآمدی یکنواخت برای کشاورز
- برای ایجاد اشتغال در جوامع روستایی
- برای از بین بردن بیکاری فصلی تا جای ممکن
- برای کاهش مهاجرت از مناطق روستایی به شهری
- برای تشویق خوداتکایی روستاییان با آگاهی برای مقابله با چالشها و استفاده بهینه از منابع موجود (FAO, 2001).

در کشاورزی قراردادی وقتی پای پشتیبان به میان می‌آید قضیه اندکی مبهم می‌شود، زیرا این پشتیبان می‌تواند از هر یک از بخشهای زیر باشد و سود و زیانهای خاص خود را به همراه داشته باشد. این بخشها عبارت اند از: بخش دولتی، نیمه دولتی، خصوصی، تعاونیها و سازمانهای داوطلبانه (NGOs).

■ مزایای نسبی بخشهای مختلف در کشاورزی قراردادی

الف- بخش دولتی: مطالعات نشان می‌دهد که بخش دولتی برای اجرای کشاورزی

قراردادی برای کشاورزان خرده پابه علت تشریفات اداری، ضعف انگیزه کارکنان دولتی، انتقال کارکنان از بخشی به بخش دیگر و مشکلاتی مانند آن چندان موفق نبوده است. هر چند در برخی موارد گفته می شود که مناسب ترین بخش است زیرا کارکنان تحصیل کرده بسیاری در خدمت دارد.

ب - بخش نیمه دولتی : بخش نیمه دولتی این توانایی را دارد که بتواند مصالحه ای بین بخش دولتی و خصوصی ایجاد کند، ولی در عمل از همان مشکلات بخش دولتی رنج می برد. آنها مورد توجه و در معرض تداخلات سیاسی و تشریفات اداری هستند و از نظر اقتصادی نیز چندان پایا نیستند. هر چند برخی از این شرکتها که تا حدی استقلال دارند (مانند سازمان توسعه چای)، عملکرد خوبی داشتند.

ج - بخش خصوصی : بخش خصوصی به طور کلی بهترین گزینه برای کشاورزی قراردادی است. البته این مزیت به دلیل استفاده مالی و مدیریتی آنها و پاسخگویی و داشتن کارکنان کیفی است. هر چند اغلب از نظر منافع، کشمکشهایی با کشاورزان دارند. البته برای این مسائل، راهکارهایی وجود دارد از جمله:

- کشاورز سهمی در شرکت داشته باشد.
- دولت بر قراردادهای و نحوه اجرای آنها نظارت داشته باشد.
- سازمانهای دیگر (مثلاً NGOs) منافع کشاورزان و پشتیبانها را مورد حمایت و نظارت قرار دهند.

البته بخش خصوصی تمایل به اجرای نقشهای مدیریتی دارد که این ممکن است بر روند توانمندسازی کشاورزان تاثیر معکوس بگذارد. برای حل این مشکل پیشنهاد می شود که اجبارها، محدودیتهای، حقوق و مزایا، به طور مشخص در توافق نامه ها (قراردادها) ذکر شود.

د - تعاونیها : تعاونیها عمدتاً بهترین و ایده آل ترین سازمان برای تلفیق تمام مراحل فرآیند تولید هستند. در تعاونیها پشتیبانی از کشاورزان به طور کامل انجام می شود. البته، تاکنون به علت مشکلات سیاسی و اداری و عدم کارایی چندان موفق نبوده اند.

ه - سازمانهای داوطلبانه (NGOs) : این سازمانها تا به حال نقش برجسته ای در کشاورزی قراردادی ایفا نکرده اند. این سازمانها می توانند نهادهایی بالقوه برای کشاورزی قراردادی باشند (Baumann, 2000).

■ ویژگیهای محصول در کشاورزی قراردادی

یکی از عواملی که اغلب در کشاورزی قراردادی مورد بحث و مذاکره قرار می گیرد ویژگیهای

محصول است. «بینسونگر» و «روزنویگ» معتقدند که شرایط فن شناختی و ویژگیهای محصول به طور توامان می‌توانند کشاورزی قراردادی را تبدیل به نظامی پایا کنند (1986 Binswanger and Rosenweig). سؤال این است که چه نوع محصولاتی برای کشاورزی قراردادی بهترند؟ مثلاً چرا محصولاتی مانند چای، کاکائو، قهوه، کائوچو برای این نوع کشاورزی مناسب‌ترند؟ پاسخ این است که محصولاتی که تحت نظام کشاورزی قراردادی کشت می‌شوند باید شرایط و قابلیت درجه‌بندی (مثلاً از نظر کیفیت) را داشته باشند تا این موضوع اجازه دهد که محصول براساس قیمت طبقه‌بندی شود. محورهای زیر از بعد ویژگی محصول و تاثیر آن بر کشاورزی قراردادی حائز اهمیت است:

الف - انواع فرآیند تولید : نوع فرآیند تولید یک محصول در کشاورزی قراردادی تاثیر آشکاری بر مفاد قرارداد و نوع ارتباط تولیدی دارد. وقتی محصولی مانند چای احتیاج به فرآوری سریع دارد، نحوه قرارداد و فرآوری محصول برای کشاورزان و پشتیبانها اهمیت زیادی می‌یابد. این قراردادها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که محصول بلافاصله پس از برداشت، حمل و فرآوری شود تا به دلیل فاصله بین این دو فعالیت یکی از دو طرف زیان نبینند.

ب- اهمیت کیفیت : کیفیت محصول نیز تاثیر بسزایی بر قرارداد دارد. در برخی موارد لازم است تا شرایط و فناوریهای جدید و مناسب برای کشاورزان فراهم شود. مثلاً در کنیا برای تولید چای، شیوه جدید تولید محصول بر پایه دانش محلی نبود، بلکه پشتیبانها به کشاورزان آموزش می‌دادند که باعث ایجاد محصولی با کیفیت بالا گردید. بنابراین شرکتهای فرآوری و بازاریابی باید با معرفی فناوریهای جدید به کشاورزی، بهره‌وری اقتصادی هر دو واحد کشاورزی و صنعتی را تضمین کنند.

ج - کاربر بودن محصول : برخی از محصولات مانند چای بسیار کاربر هستند ولی مثلاً کائوچو خیلی کاربر نیست و می‌توان هر وقت نیروی کار فراهم بود به برداشت این محصول اقدام کرد. یا در تولید روغن نخل نیز مسئله کاربر بودن محصول، مشکلی جدی است زیرا محصول باید هر دو هفته بریده شود و این برای تولیدکنندگان مشکل است. در این شرایط در قراردادها باید حقوق کارگران رعایت شود.

د - نیاز منظم به منابع مالی و درآمد : کشاورزان خرده پا محصولاتی مانند کائوچو، روغن نخل و چای را که در آمد ماهانه برای آنها دارد به محصولاتی مانند قهوه و کاکائو که منجر به در آمد سالانه می‌شود، ترجیح می‌دهند. هر چند محصولاتی که ذکر شد مدت زمانی طولانی باید سپری شود تا به بار بنشینند (Baumann, 2000). بنابراین شرکتهای صنعتی باید شرایط پرداخت را طوری تنظیم کنند که کشاورزان خرده پا و فقیر که به در آمد روزانه بسیار وابسته‌اند از نظر معیشتی دچار مخاطره نشوند.

۵ - انتقال هزینه‌ها: انتقال هزینه‌ها همراه با محصولات، یکی از راه‌هایی است که کشاورزان در پیش می‌گیرند. البته به طور کلی کشاورزان تمایل به کشت محصولات می‌دارند که کم‌هزینه‌اند و یا هزینه‌ای قابل انتقال به خریدار دارد، زیرا محصولات پرهزینه باعث می‌شوند تا خریداران مبالغ بیشتری پرداخت کنند که نتیجتاً تقاضا برای محصولاتشان پایین می‌آید (ibid.).

و - افزایش بهره‌وری تولید: بسیاری از کشاورزان خرده‌پا تلاشی برای افزایش محصول نمی‌کنند، بلکه به دنبال یافتن راهبردی مناسب برای کاهش ریسک و به حداقل رساندن آن هستند (ibid.). «کار» بیان می‌کند که برخلاف محصولات معیشتی، که در بیشتر مناطق تولید شدنی‌اند، محصولات صادراتی را می‌توان در مکان‌های ویژه‌ای تولید کرد. به عبارتی مسائل بوم‌شناختی و به همراه آن مسائل مبتنی بر فناوری اهمیت بسزایی در تولید محصولات تجاری دارند. همچنین برخلاف تولید محصولات معیشتی که تاثیر چندانی از سیاست‌های محیطی نمی‌پذیرد، تولید محصولات صادراتی نسبت به سیاست‌های دولت در زمینه کشاورزی، نرخ بهره و قوانین تجاری و خرده‌فروشی بسیار حساس‌اند. موضوعات فنی نیز احتیاج به تحقیقات گسترده‌ای دارند زیرا افزایش تولید محصول تا حد زیادی به استفاده از دانش فنی مناسب و استفاده از فناوری‌های در خور برای کشاورزان خرده‌پا وابسته است (Carr, 1993).

«کار» برای پی بردن به تاثیر روش‌های تولید بر افزایش تولید محصول دو تحقیق درباره قهوه رباستا و قهوه عربی در آفریقا انجام داد. او مشاهده کرد که به رغم پیشرفته بودن فناوری مورد استفاده در هر دو مورد، عملکرد مزرعه معمولاً زیر سطح بالقوه‌اش است. او پی برد که قهوه رباستا، تنهادر صورتی افزایش عملکرد دارد که در مزرعه به صورت تک‌کشتی تولید شود یعنی در مزرعه‌ای بدون کشت جانبی ولی با کنترل علف‌های هرز و با مالچ سنگین. وی از طرف دیگر دریافت که بسیاری از کشاورزان اطمینان خود را به بازار از دست داده‌اند و با مشکلاتی از قبیل پرداخت‌های با تاخیر از طریق پشتیبانها و همچنین کمبود نیروی کار روبه‌رویند. بنابراین برای حل مشکلشان، کشت هم‌زمان چند محصول را انتخاب کردند تا بتوانند منبع در آمد یکنواختی در کنار تولید قهوه رباستا داشته باشند. از این رو کشاورزان زیر بار کشت تکی قهوه رباستا نمی‌رفتند و در نتیجه عملکرد محصول کمتر از حد بهینه بود (ibid.). اما درباره قهوه عربی، دستیابی به محصول بیشتر و افزایش تولید، بستگی به کنترل خرید نهاده‌ها برای کنترل آفات و بیماری‌ها دارد. یعنی اگر بذور و نهاده‌هایی را که تهیه می‌کنند از نظر بیماری و آفات کنترل نمایند افزایش عملکرد را به همراه خواهد داشت. البته کنترل نهاده‌ها در شرایطی می‌تواند انجام شود که آنها طبق قرارداد ملزم به استفاده از نهاده‌هایی نباشند که از طرف پشتیبان در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد. مسئله دیگری که می‌تواند بر افزایش



محصول قهوه عربی تاثیر زیادی داشته باشد، انجام اقدامات تکنیکی ساده از قبیل هرس کردن، کنترل علفهای هرز و سایر اقدامات حفاظتی است (Baumann, 2000).

ز - انتقال فناوری، تحقیق و ترویج: همان طور که قبلاً بیان شد یکی از مواردی که باعث بهبود عملکرد کشاورزی قراردادی می شود، بهبود تواناییهای بالقوه کشاورزان از طریق انتقال فناوری به کشاورزان خرده پاست. از طرف دیگر از آنجا که شرکت پشتیبان منفعت مستقیمی در بهبود محصول دارد، بنابراین واضح است که مساعدتهای فنی و خدماتی که ارائه می دهد به مراتب از خدمات ترویج عمومی بهتر است. البته عقاید در این باره متنوع است. «کار» می گوید، نتایج میان بلندمدت برخی از فناوریهای جدید هنوز مشاهده نشده است و مشکل دیگر انتقال فناوری این است که با انتقال فناوری مبتنی بر تک کشتی، کشاورزان نمی توانند مزارع مبتنی بر کشت توام خود را مدیریت نمایند. از طرفی بسیاری از روشهای تولید به طور وسیعی به محصولات ویژه ای اختصاص دارد. به علاوه در برخی مواقع پشتیبانها ممکن است بدون متناسب کردن فناوری با سیستم کشاورز خرده پا، فناوری را منتقل کنند. دلیل دیگر بی میلی پشتیبانها در توسعه و اشاعه اطلاعات این است که در برخی مواقع این اطلاعات باید به طور عمومی منتقل شوند و شرکتی که با پشتیبانها تضاد منافع دارند ممکن است بر سر راه اشاعه اطلاعات سنگ اندازی کنند (Carr, 1993).

«گلور» و «کاستر» در بررسی خود دریافتند که انتقال سریع فناوری، بیشتر برای محصولات جدید صورت می گیرد (Glover and Kusterer, 1990). البته واضح است که کشاورزان بزرگ بیشتر از کشاورزان خرده پانوانایی پذیرش فناوریهای جدید را دارند و بیشتر در پذیرش فناوریهایی که متناسب با شرایطشان باشد تلاش می کنند. به عبارتی این فناوریهای جدید بیشتر متناسب با شرایط کشاورزان بزرگ است و پشتیبانها به ویژه در بخش عمومی، خدمات ترویجی مناسبی به کشاورزان خرده پا ارائه نمی دهند. برای نمونه، تحقیقی در زمینه پروژه تولید قهوه در کنیا نشان داد که بیشتر کشاورزان خرده پا از خدمات ترویجی مناسبی برخوردارند (Ruthenberg 1980). «گلور» می گوید که جدای از انتقال فناوری، این قضیه برای کشاورزان تجاری را به همراه دارد که می توانند حتی پس از اتمام قرارداد از آن استفاده کنند. در طول کشاورزی قراردادی کشاورزان با نظام بازار، خرید و فروش، چگونگی مدیریت مزرعه، حسابداری و غیره آشنایی شوند. کشاورزان می آموزند که چگونه مزرعه خود را بگردانند. حتی در بدترین شرایط، تجارب قبلی می تواند نقش مؤثری در قراردادهای جدید و شرایط کشت و تولید داشته باشد (Glover, 1987).

■ نقش کشاورزان قراردادی در کاهش نابرابری در میان کشاورزان خرده پا

کشاورزی قراردادی تنها ربه سوی کشاورزان خرده پاندارد و فقط حامی و حافظ منافع آنان نیست، بلکه سایر کشاورزان نیز از آن منتفع می شوند زیرا تفاوتهای زیادی میان کشاورزان

وجود دارد که این تفاوت میان کشاورزان بزرگ که برای انجام فعالیتهای کشاورزی کارگر استخدام می‌کنند و کشاورزانی که به میزان زیادی به کار خانواده خود متکی هستند، بارز است (Baumann, 2000). برای نمونه در مالوی ۴۱ درصد از درآمد سازمان چای به ۱۰ درصد از کشاورزان تعلق دارد.

«المان» بیان می‌کند که برخی از کشاورزان خرده پا در حال تجمع و بزرگ شدن هستند یعنی همانند خانواده‌هایی به هم متصل می‌شوند تا در هر روستا به شکل کشاورزان پیشرو و مترقی عمل کنند و به موفقیت دست یابند (Ellman, 1986).

«گلور» و «گاستر» معتقدند که کشاورزی قراردادی به هر حال به سوی از بین بردن نابرابریها که مبلغ آن است پیش می‌رود (Glover and Kusterer, 1990). اگر چه کشاورزی قراردادی به دلیل کاهش ریسک و ایجاد شرایط دسترسی به نهاده‌ها و فناوری و بازار، نقش تعدی کننده دارد. البته باید توجه داشت که دسترسی کشاورزان بزرگ به عوامل مذکور بیش از کشاورزان خرده پاست، ولی در هر صورت برای کشاورزان خرده پای که قبلاً از جمیع این مواهب محروم بودند، این نوع کشاورزی پلی است هر چند باریک که وسیله ارتباط آنها با بازار نهاده‌ها و محصول و فناوریهای جدید می‌شود. در حالی که کشاورزان بزرگ کماکان شرایط بهتری دارند، بهتر عمل می‌کنند و از امکانات بهتر بهره می‌برند، به ویژه در جایی که محصول وابسته به فناوری جدید است، کشاورزان خرده پا نیز می‌توانند از طریق کشت محصولات کاربر به مزیت‌هایی دست یابند. تحقیقات نشان می‌دهد که بدون دخالت دولت تفاوت بین کشاورزان بزرگ و کشاورزان خرده پا روز به روز بیشتر خواهد شد. کشاورزان خرده پاسبم بزرگی از درآمدشان را به برآوردن نیازهای اولیه‌شان اختصاص می‌دهند، در حالی که کشاورزان بزرگ می‌توانند در آمدشان را در تولید و استفاده روزافزون از فناوری و دانش جدید سرمایه‌گذاری کنند (Baumann, 2000). اگر چه کشاورزی قراردادی روند آرامی برای تحول کشاورزان خرده پا در پیش گرفته است، این نقش نیز برای گذار از کشاورزی متکی به بازار سنتی به کشاورزی تجاری، مفید و درخور تامل است.

■ توسعه منطقه‌ای و کشاورزی قراردادی

در این زمینه دو سؤال اساسی مطرح است:

الف) آیا کشاورزی قراردادی در توسعه منطقه‌ای نقش دارد؟

ب) آیا کشاورزی قراردادی شیوه‌ای برای استفاده کارآمد از منابع عمومی است؟

دولتها اغلب کشاورزی قراردادی را به این امید که تحولی در اقتصاد محلی ایجاد کند، معرفی می‌کنند. در برخی کشورها مانند کنیا (سازمان توسعه چای) در سطح ملی و منطقه‌ای، حمایت‌های

عمومی بر کشاورزی قراردادی متمرکز است به طوری که سهم عمده‌ای از نهاده‌های بخش عمومی در اختیار این نوع کشاورزی قرار دارد. جالب توجه این است که ذی‌نفعان این شیوه بهره‌برداری، فقیرترین فقیران نیستند، حتی در برخی مناطق، کشاورزان بسیار فقیر زمینهای خود را برای ساختن اقامتگاه برای پروژه‌ها از دست می‌دهند. البته شواهد به دست آمده متفاوت است. از نظر «تيفر» و «موتيمور» این کشاورزی، باعث توسعه منطقه‌ای و ایجاد اشتغال برای تمامی کشاورزان و حتی کشاورزان بی‌زمین می‌گردد (Tiffer and Mortimore, 1990).

برنامه‌های کشاورزی قراردادی به علت کشت بیشتر محصول، اشتغال‌زایند، زیرا با کشت بیشتر تحت قرارداد، نیروی کار بیشتری مورد نیاز است و همچنین از طریق آموزش روشهای کشت جدید تحت قرارداد، مشکل بیکاری فصلی نیز از بین می‌رود. مثلاً در مالاوی ۸۰ درصد کشاورزان تحت کشاورزی قراردادی نیروی کارگری استخدام می‌کنند. همچنین در بسیاری از جاها کشاورزی قراردادی باعث مهاجرت معکوس شده است. به عبارتی در برخی مناطق به علت وجود بازار برای نیروی کار، کشاورزانی که به علت بیکاری از منطقه مهاجرت کرده‌اند به زادگاه خود بازگشته‌اند، مانند نمونه اوگاندا و رواندا در کنیا (Little and Watts, 1994).

نکته مورد اتفاق پژوهشگران این است که در بازار نیروی کار ناشی از رواج کشاورزی قراردادی، حتماً فقیرترین افراد استخدام می‌شوند. بنابراین باز هم اثبات می‌شود که کشاورزی قراردادی برای همه گروهها مفید است ولی برخی بیشتر سود می‌برند و برخی کمتر. در مجموع با افزایش توان مالی افراد منطقه، روز به روز مسیر توسعه منطقه‌ای هموارتر می‌گردد. جنبه‌های مختلف قراردادها در کشاورزی قراردادی عبارت‌اند از:

- جنبه مربوط به بازار: کشاورز و پشتیبان در مورد دوره‌های زمانی و شرایط خرید و فروش آبی هر محصول زراعی یا دامی توافق می‌کنند.
 - جنبه مربوط به منابع تولید: به پیوست توافق‌نامه‌ها، خریدار یا پشتیبان توافق می‌کند تا نهاده‌های لازم از قبیل نهاده‌ها و ماشین‌آلات و ابزار فنی را فراهم آورد.
 - جنبه مدیریتی: کشاورز موافقت می‌کند که شیوه‌های ارائه شده تولید، دستورالعملهای مصرف نهاده‌ها و مشخصات کاشت، داشت و برداشت را رعایت کند (FAO, 2001).
- بخش خصوصی مناسب‌ترین بخش برای ایفای نقش پشتیبانی است پس کشاورزی قراردادی گزینه‌ای مناسب برای ایفای نقش مؤثرتر بخش خصوصی در توسعه کشاورزی است. این نقش در موارد زیر مشاهده می‌شود:

● بهبود عملکرد محصول و بهره‌وری

● بهبود بازاریابی محصول

● بهبود مدیریت مزرعه فناوری

که به طور کلی همه موارد بالا در افزایش درآمد کشاورز مؤثر است. (Naron, 2005)

■ مزایای کشاورزی قراردادی

این نوع کشاورزی برای کشاورزان و نیز شرکتهای پشتیبان مزیت‌هایی دارد:

الف - مزایای کشاورزی قراردادی برای کشاورزان

۱- این رویکرد شامل قیمت و بازار تضمینی برای محصولات تولیدی است. عایداتی که کشاورزان بابت محصولاتشان در بازار دریافت می‌کنند بستگی به قیمت‌های رایج بازار و توانایی آنها برای مذاکره با خریداران دارد که این امر ریسک و عدم حتمیتی را ایجاد می‌کند که کشاورزی قراردادی تا حدودی بر آن فائق آمده است. در این حالت کشاورزان مجبور نیستند دنبال خریداران محلی و بین‌المللی بگردند و با آنها مذاکره کنند.

۲- اغلب اوقات، کشاورزان قراردادی فناوری جدیدی معرفی می‌کنند و کشاورزان را قادر می‌سازند تا مهارت‌های جدید را بیاموزند.

۳- کشاورزان در طول قرارداد از مزایای نظارت بر محصولات و استفاده از مشاوره رایگان فنی در مزرعه خود سود می‌برند.

۴- نهاده‌ها را پشتیبانها که اغلب در زمینه آماده‌سازی زمین است، تامین می‌کنند. همچنین به موجب این رویکرد نهاده‌های اساسی مانند بذر و کود و خدمات آموزشی رایگان برای کشاورزان تامین می‌شود.

۵- بیشتر کشاورزان خرده‌پا امکان دسترسی به اعتبار راندارند ولی در کشاورزی قراردادی، کشاورزان امکان دسترسی به برخی اشکال اعتباری را می‌یابند، به طوری که از قرارداد به عنوان وثیقه استفاده می‌شود و از این طریق به اعتبار دست می‌یابند.

۶- تسهیم ریسک و محافظت در برابر تغییرات قیمت در بازار از دیگر مزایای کشاورزی قراردادی برای کشاورزان است (FAO, ۲۰۰۱).

ب- مزایای کشاورزی قراردادی برای پشتیبان

۱- کار با کشاورزان، پشتیبان را قادر می‌سازد تا ریسک دسترسی به محصول، بازار تولید و تغییرات آب و هوایی، و بیماری و غیره را تسهیم کند.

۲- اگر پشتیبان نظارت داریم داشته باشد بذر و کود مطلوب را تهیه کند، کیفیت مناسبی حاصل خواهد شد.

۳- همچنین اگر پشتیبان، بذر را خود تهیه کند، این شرکتها بازاری منظم و غیر منقطع برای بذور خود خواهند داشت (ibid.).

■ مشکلات کشاورزی قراردادی

کشاورزی قراردادی مشکلاتی نیز برای کشاورزان و شرکتهای پشتیبان دارد:

الف - مشکلات پیش روی کشاورزان

۱- افزایش مشکلات مربوط به نهاده ها و ریسک: برای مثال در تایلند، شرکتی که با کشاورزان برای پرورش جوجه قرار داد بسته بود برای جبران احتمال مرگ و میر بالای جوجه ها مالیاتی بر درآمدهای کشاورزان بست. کشاورزان از این کار بسیار رنجیده خاطر شدند، زیرا معتقد بودند کیفیت پایین جوجه های یک روزه شرکت، علت اصلی این مشکل بوده است.

۲- فناوری نامناسب: یکی از عوامل مهم، کاربرد نبودن نوآوریهاست زیرا هر نوآوری نامناسب (مثلاً ماشینهای نشاکاری) ممکن است باعث عدم اشتغال در منطقه گردد.

۳- ناسازگاری محصول: کشاورزانی که به طور سنتی به کشت و استفاده از یک نوع محصول مشغول اند، ملزم به یادگیری فنون کشت محصولات غذایی جدید و سازگاری عادات غذایی شان با محصولات جدید می گردند.

۴- بازپرداخت وام: در صورتی که کشاورزان با مشکلات تولیدی مواجه شوند، چگونگی بازپرداخت وام از مشکلات عمده بر سر راه کشاورزان است.

۵- انحصار فروش: انحصار فروش محصول به دست یک پشتیبان آثاری دارد. مثلاً در تولیدات محصولات درختی که به آسانی به سایر محصولات تبدیل نمی شوند، انحصار فروش در دست پشتیبان باعث می شود که مثلاً کشاورزان به عرضه محدود یک محصول اقدام کنند که در این صورت آزادی عمل از آنها سلب خواهد شد (ibid.).

ب - مشکلات پیش روی پشتیبانها

۱- سوء استفاده از نهاده ها: یکی از مشکلات عمده پیش روی پشتیبانها، سوء استفاده ای است که کشاورزان از نهاده ها می کنند. آنها ممکن است نهاده ها را بفروشند یا در مواردی که در قرارداد ذکر نشده است، به مصرف برسانند.

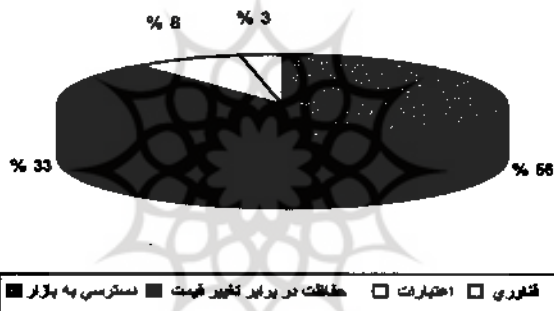
۲- محدودیتهای اجتماعی و فرهنگی: پشتیبانها پیش از معرفی برنامه های جدید کشت،

باید به نگرشهای اجتماعی و روشهای سنتی کشت که کشاورزان منطقه، مورد استفاده قرار می دهند، توجه خاص مبذول دارند.

۳- فروش فراقردادای: اگر کشاورز محصول را به شخص سومی خارج از قرارداد بفروشد، می تواند مشکل عمده ای برای پشتیبانها شود (ibid.).

در این مورد مطالعه موردی در ۱۳ استان چین انجام شده است، که نتایج آن نشان می دهد که مشوقهای کشاورزان برای پیوستن به کشاورزی قراردادی عبارت اند از: دسترسی به بازار ۵۶ درصد، حفاظت در برابر تغییر قیمت ۳۳ درصد، اعتبارات ۸ درصد و فناوری ۳ درصد، یعنی مهم ترین مشوق کشاورزان برای پیوستن به کشاورزی قراردادی دسترسی به بازار است.

نمودار ۱- مشوقهای کشاورزان برای پیوستن به کشاورزی قراردادی



(منبع: Guo et al., 2005)

در قسمتی دیگر از تحقیق، مزایای کشاورزی از دیدگاه کشاورزان ارزیابی می شود.

جدول ۱- مزایای کشاورزی قراردادی از دیدگاه کشاورزان

موتیلا	نمبر	مجموعه	روز	حاصلت درصد	کل
کاهش هزینه تولید	۳۱/۸	۳۰	۲۴/۱	۱۳/۶	۱۰۰
بهبود کیفیت	۷/۳	۱۵/۵	۲۴/۲	۳۱/۴	۱۰۰
افزایش قیمت	۲۲/۳	۳۶/۸	۲۸/۶	۱۱/۸	۱۰۰
تثبیت قیمت فروش	۱۰/۵	۱۵	۳۰/۹	۳۸/۶	۱۰۰
کاهش هزینه های بازاریابی	۲۱/۳	۲۵	۱۹/۱	۲۷/۳	۱۰۰

(منبع: Guo et al., 2005)

بر اساس جدول ۱ مشاهده می شود که کشاورزان، کشاورزی قراردادی را در بهبود کیفیت محصول و تثبیت قیمت فروش مؤثر می دانند. سه نتیجه مهم ناشی از پژوهش فوق عبارت اند از:

۱- تخصص و تجاری کردن در تولید به طور مثبت و معنی داری با اینکه کشاورزان قراردادی را بپذیرند، رابطه دارد.

۲- فاصله از بازار هدف، با اینکه کشاورزان قراردادی را انتخاب کنند، رابطه مثبت و معنی دار دارد.

۳- حمایت های دولت، یکی از عوامل مهم و کلیدی در جذب کشاورزان به کشاورزی قراردادی است. (Guo et al., 2005)

نتیجه گیری

با ظهور پدیده جهانی شدن و گسترش تجارت کشاورزی، بخش کشاورزان خرده پا و کوچک مقیاس برای اینکه پا بر جا بمانند احتیاج به هماهنگی با تغییرات و رقابتی شدن دارند و کشاورزی قراردادی راه حل مناسبی برای این منظور است. ولی نکته قابل تامل این است که در این نوع کشاورزی افزایش محصول مزرعه نباید تنها دغدغه کشاورزان و پشتیبانها گردد. هدف نهایی این نوع کشاورزی باید ایجاد منافع اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی به طور توأمان باشد. یعنی ایجاد اشتغال، درآمدزایی، امنیت غذایی، همراه با توجه به حفظ منابع موجود.

پیشنهادها

۱- هدفمند کردن یارانه ها در بخش کشاورزی و سوددهی آن به سمت تولید محصولات کشاورزی، توجه به افزایش کیفی و کمی و تولید اقتصادی محصولات کشاورزی برای امکان حضور در عرصه رقابت جهانی از طریق توسعه این بخش و نگرش جامع و فرابخشی به توسعه کشاورزی در کشور. همچنین تخصیص یارانه های خاص برای کشاورزان و شرکتهایی که تحت کشاورزی قراردادی فعالیت می کنند.

۲- یکی از چالشهای جدی توسعه کشاورزی در برنامه چهارم توسعه، تصدیگری دولت در امر تامین، تولید و توزیع ماشینها و ادوات و نهاده های کشاورزی و تغییر آن به ایفای نقش هدایتی و نظارتی است. اصلاح ساختار، کاهش تصدیگری، تغییر نقش و فعالیت دولت در امر تامین، تولید و توزیع ماشینهای کشاورزی به ایفای نقش هدایتی و نظارتی از مواردی است که می تواند برای رفع بخشی از مشکلات توسعه کشور مورد توجه قرار گیرد. همچنین تبیین

جایگاه و سهم کشاورزی قراردادی از کل تولیدات کشاورزی و صنعتی کشور در سند برنامه امری ضروری است.

۳- با شتاب گرفتن رشد مناطق شهری بر پایه تولیدات صنعتی و صادرات و فروش منابع طبیعی، اختلاف شدید در آمد در مناطق شهری و روستایی روز به روز بیشتر می شود. عدم توجه به این مشکل لطمات جبران ناپذیری به پیکره جامعه وارد خواهد کرد. کشاورزی قراردادی با ایجاد اشتغال و درآمذزایی می تواند کلید این مشکل باشد.

۴- در جهانی که بیش از ۷۵ درصد مردم فقیر آن، برای امرار معاش به کشاورزی وابسته اند، اصلی ترین راه مقابله با فقر، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی است. کشاورزی قراردادی ابزاری است برای ترغیب بخشهای مختلف به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی که موجب منافع بسیاری برای کشاورزان و پشتیبانها می گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- مطیعی لنگرودی، ح. (۱۳۸۳). *جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)*. مشهد: دانشگاه فردوسی، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- 2- Baumann, P. (2000), **Equity and Efficiency in Contract Farming Schemes : The Experience of Agricultural Tree Crops**. London: Overseas Development Institute.
- 3- Binswanger, H. P. and Rosenzweig, M.R. (1986), "Bahavioural and determinants of production relations in agriculture". **Journal of Development Studies**. Vol. 22, No. 3, pp.503-539.
- 4- Carr, S. J. (1993), "Improving cash crops in Africa: factor influencing the productivity of cotton, coffee, and tea grown by smallholders". **World Bank Technical Paper**. No. 216.
- 5- Ellman, A. (1986), **Nucleus Estates and Small Out Grower Schemes**. London: Overseas Development Administration.
- 6- FAO (2001), "Contract farming partnerships for growth". **Agricultural Services Bulletin**. No. 145.
- 7- Glover, D. and Kustere, K. (1990), **Small Farmers, Big Business: Contract Farming and Rural Development**. London: Macmillan.
- 8- Glover, D. (1987), "Increasing the benefits to small holders from contract farming : problems for farmers organizations and policy makers". **World Development**. Vol. 15, No.4, pp.441-448.
- 9- Guo, H. W. ; Jolly, R. and Zhu, J. (2005), "Contract farming". presented as **IAMA Symposium in Chicago**. available at : www.ifama.org/conferences/2005_conference/symp-presentation/session4-Ambassador/Chicago_conference_Zhu.ppt.
- 10- Little, P. and Watts, M. (1994), **Living Under Contract: Contract Farming and Agrarian Transformation in Sub-Saharan Africa**. Wisconsin : University of Wisconsin Press.
- 11- Naron, H. C. (2005), **Agrarian Structure in the Context of Trade Integration, Role of Public and Private Investment**. Cambodia : Ministry of Economy and Financing of Cambodia.
- 12- Ruthenberg, H. (1980), **Farming System in the Tropics**. Oxford : UP.
- 13- Tiffer, M. and Mortimore, M. (1990), **Theory and Practice in Plantation Agriculture : An Economic Review**. London : Overseas Development Institute.